

دکتر یعقوب آژند^۱

کارستان هنر پروری اسکندر سلطان (۸۱۷-۸۰۷ هجری)^۲

تاریخ دریافت مقاله : ۸۶ ۱۱ ۲۳

تاریخ پذیرش نهایی : ۸۶ ۱۲ ۶

چکیده

اسکندر سلطان فرزند عمر شیخ بن تیمور از شاهزادگان هنر پرور تیموری است که نزدیک به ده سال حکومت فارس و اصفهان را در اختیار داشت. در این مقاله کارنامه هنر پروری وی و کیفیت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است. نخست فعالیت‌های سیاسی وی از برای حکومت تیموری فحص می شود. پس از مرگ تیمور شماری از فرزندان او برای جانشینی به نزاع پرداختند و در نهایت شاهرخ توانست بر امپراتوری دست یابد و در هرات مستقر شود. یکی از مدعیان سلطنت اسکندر سلطان برادرزاده شاهرخ بود که مقهور او می شود و در سال ۸۱۷ هجری حکومت فارس و اصفهان را از دست می دهد و بدست برادرش نابینا می شود و بعد به قتل می رسد. بعد فعالیت‌های هنری او فحص می شود و میزان کوشندگی وی در عالم کتاب آرای و نگارگری مشخص می گردد و سپس آثار بازمانده از دوره او مشخص می شود و در نهایت برآیند و تأثیرات هنر پروری وی مورد ارزیابی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی

اسکندر سلطان، گلچین منظوم، کتاب ولادت اسکندر، زیچ نامه، گلچین حماسه ها

Email: Y_azhand@yahoo.com

۱ _ استاد دانشگاه تهران

شهر تهران، استان تهران

۲ _ این مقاله حاصل طرح تحقیقاتی با عنوان «مکتب شیراز» با شماره ۹۱۰۴۰۰۷ ۱ ۰۶ در دانشکده هنرهای تجسمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است و بدینوسیله تشکر خود را از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران ابراز می دارم.

مقدمه

تیمور در یورش های خود به ایران دو بار به فارس اردو کشی کرد و بار اول در سال ۷۷۸ هجری وارد شیراز شد و بعضی از سرکردگان آل مظفر را پس از تسلیم در حکومت خود ابقا کرد. اما این سرکردگان از برای قدرت به جان هم افتادند. تیمور بار دیگر در سال ۷۹۵ هجری شیراز را متصرف شد و تمامی بازماندگان مظفری را به قتل رساند و فرزند خود عمر شیخ را حاکم فارس و کرمان و اصفهان و یزد و خوزستان قرار داد و خود برای تصرف مصر عازم آناتولی شد.

عمر شیخ يك سالی را در فارس و پیرامون آن مشغول انتظام امور بود تا اینکه از طرف تیمور به اردو احضار شد تا او را در جنگ با مماليك مصر یاری رساند. عمر شیخ فرزند کوچک خود اسکندر سلطان را در فارس به جای خود نشاند و همراه فرزند دیگرش پیر محمد عازم اردو شد. بر سر راه خود به شکار در جنگلهای کردستان پرداخت و در حین شکار از اسب فرو افتاد و آسیب دید. او را با تخت روان حمل می کردند. در اطراف بغداد به او خبر دادند که بعضی از حکمرانان قلعه ها سر از اطاعت پیچیده اند و از جمله آنها حاکمی به نام کلاته خرما تو است. عمر شیخ برای سرکوبی کلاته خرما تو عازم قلعه شد. اهالی قلعه با سنگ و تیر به دفاع از خود پرداختند و تیر یکی از مدافعان او را از پای درآورد (نطنزی، ۱۳۳۶، ۳۰-۴۲۷). جسد او را به شیراز برگرداندند و خبر را به تیمور رساندند. تیمور فرزند ارشد او پیر محمد را حاکم فارس و اصفهان و غیره گردانید.

بهر تقدیر حکومت عمر شیخ در فارس بیش از يك سال طول نکشید. نطنزی صاحب تاریخ منتخب التواریخ معینی که در نزد فرزند او اسکندر سلطان مقرب بوده، اشاراتی چند به عمر شیخ دارد که در منابع دیگر یافت نمی شود. او می نویسد که عمر شیخ پس از استقرار در شیراز «قانون مملکت را بر قاعده عدالت نهاده و مسند عدل را بر سند صحابه کرام در دیوان مظالم گسترانید. داد مظلومان دادن گرفت» و در اندک فرصتی خاطر خواص و عوام را به خود جلب کرد (همان، ۴۲۸). با اینکه از این عبارات بوی مبالغه و حمایت از ولی نعمت به مشام می رسد ولی واقعیتی را در خود نهفته دارد و آن اینکه عمر شیخ بر خلاف بعضی از فرزندان تیمور، چندان گرایش های مغولی نداشته و از همان ابتدای حکومت خود بنا را بر پیروی از اصول اسلامی منطقه گذاشته و بر مدار آن رفتار کرده است. این نوع گرایش را در زمان فرزند او اسکندر سلطان بیشتر خواهیم دید.

اسکندر سلطان در بوته سیاست

اسکندر سلطان فرزند کوچکتر عمر شیخ در حوالی سال ۷۸۶ هجری چشم به جهان گشود. در کنار پدرش و جدش تیمور بزرگ شد و در اردو کشی ها شرکت جست. در سال ۷۹۹ هجری با بیکیسی سلطان ازدواج کرد و تیمور در صحرای کانگل در حومه سمرقند بدین مناسبت جشنی آراست (علی یزدی، ۱۳۳۶، ۱۳۲). تیمور سپس حکومت ماوراءالنهر را به اسکندر سلطان سپرد. او چندی را در نواحی فرغانه گذراند و باز در بعضی از اردو کشی های تیمور شرکت داشت. گفتنی است که تیمور پس از مرگ عمر شیخ حکومت فارس را به فرزند ارشد او پیر محمد سپرده بود و اسکندر سلطان در آن زمان در صغر سن بوده در نزد برادرش بسر می برد تا اینکه در سال ۷۹۹ هجری به ماوراءالنهر رفت. او در زمان مرگ تیمور در سال ۸۰۷ هجری ۲۱ ساله بود (فصیحی خوافی، ۱۳۳۹، ۳، ۱۵۴) و در همدان بسر می برد.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ در هرات به سلطنت نشست. پیر محمد از او متابعت کرد ولی اسکندر سلطان از همان ابتدا به مخالفت برخاست و لشکری فراهم ساخت و عازم اصفهان و فارس شد. نخست اصفهان را به محاصره انداخت و برادرش رستم را وادار به فرار کرد. او اصفهان را متصرف شد و خواجه احمد صاعد را که بزرگ و قاضی اصفهان بود به قتل آورد و در چهارم ذیحجه سال ۸۱۳

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

استیلای وی بر فارس و عراق عجم تثبیت شد (دولتشاه، ۱۳۳۸، ۲۸۰). اسکندر سلطان تا سال ۸۱۷ هجری در فارس و اصفهان و عراق عجم با استقلال حکومت می کرد و شاهرخ تا حدودی پاس او را داشت. میرزا رستم برادر اسکندر سلطان به شاهرخ پناه برد. در این زمان اسکندر سلطان داعیه تصرف هرات را بر سر داشت. شاهرخ نامه ای در سال ۸۱۶ هجری به او نوشت و اوضاع مملکت را برای وی تشریح کرد و اینکه امروز تمامی مناطق در تحت قدرت اوست و تنها کسی که اظهار سرکشی می کند قرا یوسف ترکمان است و می باید برای دفع او دست اتحاد بهم بدهیم تا قوت نگیرد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، ۲، ۸۱۶).

اسکندر سلطان اعتنایی به نامه شاهرخ نکرد و آشکارا از اطاعت او سرپیچید و خطبه و سکه به نام خود ساخت و راه خراسان را مسدود کرد و ایلچیان به اطراف فرستاد و اهداف خود را اعلام کرد. شاهرخ در سال ۸۱۷ هجری برای سرکوبی او عازم شد. امیران اسکندر سلطان پس از شور و مشورت، مصلحت را در آن دیدند که تسلیم شاهرخ شوند چون بهر حال اسکندر سلطان نبیره تیمور بود در حالیکه شاهرخ فرزند او بود. (همان، ۲، ۱۸۸).

کارستان هنر پروری اسکندر سلطان ...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

۹

سپاه شاهرخ در ۱۴ ربیع الاول ۸۱۷ وارد حومه اصفهان شدند و آنرا محاصره کردند. مدت محاصره به درازا کشید تا اینکه در دوم جمادی الاول پس از نبردی سخت وارد اصفهان شدند و اصفهان را غارت کردند. اسکندر سلطان دستگیر شد و او را به حضور شاهرخ آوردند. با تلاش گوهرشاد خاتون، شاهرخ رضا داد او را تسلیم برادرش رستم کند و رستم نیز دو چشم برادرش را از نور بینایی عاری ساخت و این ماجرا در روز جمعه دوم جمادی الاول ۸۱۷ رخ داد (همان، ۲، ۹۸-۹۶؛ دولتشاه، ۱۳۳۸، ۲۸۰). و دور فرمانروایی اسکندر سلطان به پایان رسید. شاهرخ هنگام بازگشت به هرات «خزاین و زواهر جواهر و دُر و غرر و اوانی زرین و سیمین و اسلحه هندی و مصری و چینی آلات و فراشخانه به دارالسلطنه هرات فرستاد» (حافظ آبرو، ۱۳۷۲، ۱، ۵۵۴). طبیعی است که جزو غنائیم شاهرخ کتب نفیس و هنرمندان کارگاه هنری اسکندر سلطان نیز بود چون سراغ داریم که مولانا معروف خطاط پس از تصرف اصفهان بدست شاهرخ، به هرات فرستاده شد تا در کتابخانه سلطنتی هرات به کتابت مشغول شود (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، ۲، ۳۸۳). اسکندر سلطان حتی پس از نابینا شدن دست از توطئه علیه برادران و شاهرخ بر نداشت. او در سال ۸۱۸ هجری برادر خود میرزا بایقرا را تحریک به سرکشی کرد. وقتی که برادرش میرزا رستم ماجرا را فهمید او را دستگیر ساخت و به قتل آورد. مدت عمر اسکندر سلطان ۳۲ سال بود (حسن روملو، ۱۳۴۹، ۱۰۲).

اسکندر سلطان در بوته هنر و ادب

اسکندر سلطان بر خلاف قلمرو سیاست که در آن چندان موفق نبود، در حوزه هنر چهره درخشانی از خود نشان داد. او به گفته دولتشاه سمرقندی «در شیوه مکارم اخلاق و مردانگی و کرم» گوی سبقت را از اقران ربوده بود و شاهزاده ای خوش مشرب و خوش طبع و اهل معاشرت بود. طبع شعر داشت. میرعلیشیرنوايي او را در مجالس النفائس، سلطان اسکندر شیرازی می نامد و يك شعر ترکی به او نسبت می دهد (۱۳۶۳، ۵-۱۲۴).

اسکندر سلطان دوستدار علما و فضلا و شعرا بود و آنها را در دربار خود گرد می آورد. میر سید شریف جرجانی رساله ای در فلسفه و کلام دارد که در پاسخ پرسش های اسکندر سلطان نوشته و در سال ۸۱۵ هجری از اصفهان برای او فرستاده است (صفا، ۱۳۵۶، ۴-۹۲، ۹۱). اسکندر سلطان از شاه نعمت الله ولی، عارف نامدار سده نهم هجری، به شیراز دعوت کرد. شاه نعمت الله ولی در سفری به شیراز، نخست به زیارت مزار شیخ سعدی رفت و سپس بر کوهی که به کوه پهلوان علی شمس معروف است اقامت گزید و مردم به دیدار او شتافتند (عبدالرزاق کرمانی، ۱۳۶۱، ۷۴). اسکندر سلطان يك بار هم در نماز جمعه شاه نعمت الله شرکت جست. در این نماز جمعه که

در مسجد عتیق شیراز برگزار شد، سید شریف جرجانی، خواجه حافظ رازی صدر اسکندر سلطان هم حضور داشتند (همان، ۸۶). شاه نعمت الله سجاده خود را در دست چپ اسکندر سلطان گسترده. او رساله ای دارد که در جواب سؤالات اسکندر سلطان نوشته است. (همان، ۱۱)

اسکندر سلطان از آنجا که طبع شعر داشت، شاعران و مصاحبت با آنها را دوست می داشت. از شاعران مولانا حیدر ترکی گوی که از استادان شاعران ترک محسوب می شد، مداح اسکندر سلطان بود. او دو مثنوی به ترکی دارد به نامهای مخزن الاسرار و گل و نوروز که هر دو را به نام اسکندر سلطان سرود (دولت‌شاه، ۱۳۳۸، ۲۸۰؛ فخری هروی، ۱۳۴۵، ۳۱). بواسحق اطعمه هم از ندیمان مجلس اسکندر سلطان بود.

دولت‌شاه می نویسد که بواسحق «چند روزی به مجلس پادشاه حاضر نشد. روزی که به مجلس آمد شاهزاده پرسید که مولانا چند روز کجا بودی؟ زمین خدمت بوسید و گفت: ای سلطان عالم، یک روز حلاجی می کنم و سه روز پنبه از ریش بر می چینم و این بیت فرمود:

منع مگس از پشمک قندی کردن
از ریش حلاج پنبه برداشتن است

و گویند مولانا بواسحق ریش دراز داشته از قاعده بیرون» (همان، ۲۷۶)

قوام الدین محمد صاینی از شاعران قرن نهم هجری را هم از ندیمان دربار اسکندر سلطان نوشته اند.

وی اشعاری در مدح اسکندر سلطان دارد (صفا، ۱۳۵۶، ۴۲۶)

معین الدین نطنزی از مورخان سده نهم هجری از مصاحبان و معاشران اسکندر سلطان بود. او کتاب خود منتخب التواریخ معینی را در سال ۸۱۶ هجری به نام اسکندر سلطان به پایان رساند و چند سالی از حکومت او در شیراز از مقربان درگاه وی محسوب می شد (اوبن، ۱۳۳۶، مقدمه).

نطنزی پس از برافتادن اسکندر سلطان به خدمت شاهرخ در آمد و در کتابش تجدید نظر کرد و قسمت هایی از آنرا که به تمجید اسکندر سلطان و تقبیح شاهرخ پرداخته بود، حذف و آنرا در سال ۸۱۷ هجری به شاهرخ اهدا کرد.

حکیم مولانا عمادالدین منصور بن محمد بن یوسف الیاس شیرازی از پزشکان دوره آل مظفر بود، که بعدها به خدمت اسکندر سلطان در آمد و چند صباحی را در نزد او گذراند. اسکندر سلطان دستور داد در یک مجموعه علمی از آثار وی برای کتاب آرایبی استفاده شود. به این مجموعه علمی تصاویری افزودند که شاید آنها را بتوان از نخستین نمونه های تشریح بدن انسان به حساب آورد (ریشار، ۱۳۸۳، ۸۲)

رویکرد اسکندر سلطان به عالم هنر با درخشندگی بیشتری جلوه کرد. او در مدت کوتاهی که حکومت شیراز و اصفهان را داشت به ساخت و پرداخت عمارات گوناگون اقدام کرد. در اصفهان میدان نقش جهان و نیز چهارباغ را پیش از صفویان طرح افکنی کرد. عبارت عبدالرزاق سمرقندی مبنی بر اینکه «میرزا اسکندر... اصفهان را مستقر سریر حکومت خود ساخته بود و در آنجا عمارات علیه فرمود و اساس سلطنتی نهاد» مسبوق به این سابقه است (۱۳۸۳، ۲، ۱۸۲)

کتابخانه اسکندر سلطان در شیراز و اصفهان نقش استثنائی داشتند. در این کتابخانه ها شماری از هنرمندان برجسته دربار آل جلایر و آل مظفر، اعم از نقاش و خطاط و مذهب و مجلد، گردآمدند و تحت حمایت وی به کتاب آرایبی نسخه های مختلف پرداختند. علاقه اسکندر سلطان به مصاحبت با دانشمندان و علما و بویژه منجمان در انتخاب نسخه ها برای کتاب آرایبی بسیار مؤثر بود. طبع شاعرانه وی در پدیداری گلچین هایی از شعر شاعران برجسته ایران تأثیری درخور داشت.

بعضی از هنرپژوهان معتقدند که جنید از دربار آل جلایر، راهی دربار اسکندر سلطان شد و در کتابخانه او در شیراز مشغول کار گردید؛ اما در این خصوص سند قطعی وجود ندارد. مولانا معروف خطاط هم پس از اینکه چندی را در نزد سلطان احمد جلایر کار کرد به نزد اسکندر سلطان در اصفهان آمد و در کارگاه هنری کتابخانه وی به کتابت پرداخت. عبدالرزاق سمرقندی درباره او می نویسد:

«گویند در یک روز هزار و پانصد بیت می نوشت. در وقتی که میرزا اسکندر هر روز پانصد بیت مقرر فرموده بود، دو روز هیچ ننوشت و در حکم میرزا اسکندر تخلف نمود. سبب نانوشتن پرسید. گفت:

می خواهیم که در يك روز کتابت سه روزه بکنم. میرزا اسکندر فرمود که سایبانها و بارگاه برافراشتند و يك کس قلم می تراشید و مولانا می نوشت. نماز دیگر هزاروپانصد بیت در غایت لطافت نوشت و میرزا اسکندر او را انعام فراوان فرمود» (۱۳۸۳، ۲، ۳۸۳)

و این مولانا معروف نادره زمان بود و علاوه بر خطاطی در انواع فنون و هنرها زبده داشت و شعر نیز می سرود و در جواب یکی از غزلیات خواجه سلمان ساوجی غزلی سرود با مطلع زیر:

ز ترك چشم تو هر تیر غمزه کامد راست درون سینه نشست آنچنانکه دل می خواست. (همان).

بنظر می رسد که خواجه محمود مجلد تبریزی هم از زمره هنرمندانی باشد که از تبریز به اصفهان آمده و در کارگاه هنری اسکندر سلطان مشغول کار شده و بعدها همراه شاهرخ به هرات رفته است. آشنایی اسکندر سلطان با کارستان هنری سلطان احمد جلایر و سنت هنرپروری آل اینجو و آل مظفر در شیراز و بالاتر از همه علاقه ذاتی و طبع هنری خود او از عوامل مهم هنرپروری اش در عرض سالهای حکمرانی او بوده است. حمایت او از کتاب آرایي آنها در دامنه زمانی محدود بسیار درخشان است.

کارستان هنرپروری اسکندر سلطان...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

بنظر می رسد که کاتبانی چون محمود بن مرتضی حسینی، محمد حلوی جلالی (منسوب به جلال الدین اسکندر سلطان) محمود بن یحیی بن حسن کاشی و محمد قطب مغیثی پیشتر در کتابخانه او کار می کرده اند و بعدها به خدمت ابراهیم سلطان در آمده اند. در گلچین موجود در کتابخانه بریتانیا نام نصر کاتب نیز آمده است. بعید نیست که وی همان نصر سلطانی و یا خواجه نصیرالدین محمد مذهب باشد که بعدها ابراهیم سلطان او را به ریاست کتابخانه عامره خود برگزید. وی در چندین هنراز جمله تذهیب، خوشنویسی و نقاشی مهارت داشته است.

آثار بازمانده

در آثار بازمانده هنرپروری اسکندر سلطان دو رویکرد مهم ملاحظه می شود: یکی حمایت از گلچین سازههای ادبی و دیگری گلچین سازههای علمی بویژه رسالات نجومی و طبی. چندین گلچین ادبی شامل دیوان شاعران و یا مثنویهای حماسی و نوشته های منشور ادبی از دوره او باقی است و از این گلچین ها پیداست که وی از شماری از هنرمندان برجسته مکتب تبریز آل جلایر بهره جسته است. به همین دلیل کتابت و نگارگری و تذهیب این نسخه ها در قیاس با آثار دوره آل مظفر پیشرفته و مترقی است. علاقه اسکندر سلطان به علوم نجومی و طب موجب شد که نسخه هایی از این علوم به صورت گلچین برای وی کتاب آرایي شود که مهمتر از همه زیج نامه ها و کتاب ولادت اسکندر است. نسخه های کتاب آرایي شده اسکندر سلطان از نظر سبک شناسی در حقیقت آمیزه ای از ویژگیهای نگارگری آل مظفر و آل جلایر و ارائه ترکیبی دلنشین از این ویژگیهاست. مناظر زیبا و تغزلی و بالاتر از همه قطع بزرگ روزگار آل مظفر جای خود را به نگاره های کوچک و پویا و پراز حرکت در گلچین های ادبی و علمی داد. رنگبندی این نگاره ها حتی بعدها در نگارگری هرات تأثیر گذاشت. در گلچین حماسه ها سبک جدید دوره اسکندر سلطان بهتر و روشن تر چهره نموده است. پیکره ها دارای سرهای بزرگ، سیمای بیضی شکل و نقوش زرین و سیمین است. در دو گلچین ادبی او زنجیره ای از ترکیب بندیهای زیبا و استادانه پدید آمده است. نگاره های اینها بعدها الگویی برای گلچین سازی های مشابه گردید.

گفتنی است که گلچین ها مجموعه ای از دیوانها و یا گزیده اشعار شاعران و یا آثار منشور علمی و ادبی بود که کاتبان آنها را در کنار هم و در يك مجلد واحد کتابت می کردند. از اینرو این نسخه ها چندان نیازی به نگاره های قطع بزرگ نداشت بلکه نگاره های ریز نقش در متن و حاشیه آنها نقش می خورد و گلچینی زیبا و دلچسب پدید می آورد. کتابت در حواشی نیز به صورت اریب از خصوصیات این گلچین ها بود.

گلچین حماسه‌ها را محمد سعید حافظ قاری در سال ۸۰۰ هجری در ۲ مجلد کتابت کرد. این دو جلد روپهم رفته ۱۶ نگاره دارند و در کتابخانه چستر بییتی دابلین و کتابخانه بریتانیای لندن نگهداری می‌شوند. در این گلچین شاهنامه فردوسی (با ۵ نگاره) جلد اولی را شکل داده است و جلد دوم آن با ۱۱ نگاره دربردارنده حماسه‌های گرشاسب نامه اسدی، شاهنشاه نامه احمد تبریزی، بهمن نامه از شاعری گمنام و نیز کوشنامه است (Lentz and Lowery, 1989, 331).

در سال ۸۱۰ هجری یک گلچین اشعار در یزد کتابت شد که دارای ۱۴ نگاره است و تأثیرات نقاشی آل جلایر را در آن می‌توان سراغ گرفت. همان جلدی را که برای دیوان سلطان احمد جلایر ساخته‌اند برای این گلچین هم اجرا کرده‌اند. نگاره‌های این گلچین پیوند نزدیکی با نگاره‌هایی دارد که بعدها در شیراز و اصفهان برای اسکندر سلطان کار شده است. گفتنی است که در فاصله سالهای ۸۰۷ و ۸۰۸ هجری اسکندر سلطان حاکم یزد بود و این شهر را تا سال ۸۰۹ هجری تحت نظارت داشت از اینرو بعید نیست که این گلچین را برای او کتاب آرایه کرده‌اند. این نسخه امروزه متعلق به کتابخانه توپقاپی سرای استانبول است (Ibid, 341).

اغراض الطبیبه و مباحث العلایه یک رساله پزشکی و خلاصه‌ای از ذخیره خوارزمشاهی جرجانی پزشک نامدار دربار خوارزمشاهیان است. در شمس‌اهدائیه آن نام «امیرزاده جلال الدین اسکندر شاه ...» قید شده و در حقیقت در حوالی سالهای ۸۱۳ تا ۸۱۷ هجری برای اسکندر سلطان کتاب آرایه شده است (ریشار، ۱۳۸۳، ۷۴). در این رساله می‌توان ترکیبی از هنر تذهیب و نگارگری مکتب شیراز و تبریز را مشاهده کرد. این نسخه امروزه متعلق به کتابخانه ملی پاریس است.

زیچ نامه رساله‌ای است مرکب از چندین رساله نجومی از جمله زیچ اشرفی تألیف سیف منجم در سال ۷۰۲ هجری در شیراز، زیچ رکن الدین برای رکن الدین خورشاه آخرین حکمران اسماعیلی، طالع بینی از محمد بکران، رساله در هلالجات از مؤلفی گمنام، رساله در سعد و نحس ستارگان از مؤلفی ناشناس و رساله استخراج از محمد بن حسن قمی منجم. این نسخه به لحاظ سبک شباهت زیادی به کتاب ولادت اسکندر در سال ۸۱۳ هجری دارد و می‌توان آنرا متعلق به کارگاه هنری اسکندر سلطان دانست. تذهیب آن یادآور نسخه‌های دیگر دوره اسکندر سلطان است. این نسخه نیز امروزه در کتابخانه ملی پاریس موجود است (ریشار، ۱۳۸۳، ۷۴).

کتاب ولادت اسکندر رساله‌ای است که حال در انستیتوی ولکام لندن نگهداری می‌شود و در ذوالحجه سال ۸۱۳ برای تولد اسکندر سلطان تهیه شد و کتابت آنرا محمود بن یحیی بن حسن کاشی مشهور به عماد منجم انجام داد. این رساله یک نگاره و دو طراحی دارد و سر لوح دو برگه آن یک ترکیب بندی مدور با پس زمینه لاجوردی، جایگاه ستارگان و تصاویر بروج فلکی را در زمان تولد اسکندر سلطان در سال ۷۸۵ هجری نشان می‌دهد. حواشی تزیینی و طراحیها و نقوش آرایه‌ای آن شباهت زیادی به آثار دیگر اسکندر سلطان دارد. دو فرشته به طرز قرینه از سمت فوقانی، فلك را محافظت می‌کنند و صور فلکی با نقوش ریز و به طرزی با شکوه تصویر پردازی شده است. رساله دره التاج لغره الدباج تألیف قطب الدین شیرازی (۷۱۰-۶۳۴ هجری) یک دائرة المعارف علوم کلامی است و به دلیل اشتغال بر ابواب مختلف علوم و شرح جامع آنها به انموذج العلوم نیز شهرت دارد. محتوای این اثر کاملاً با طبع علم دوست اسکندر سلطان همخوانی داشت از اینرو کتاب آرایه آنرا سفارش داد. این نسخه دربردارنده تذهیبی غنی و تصاویر هندسی در باب تشریح مسایل علمی است و حدود سال ۸۱۳ هجری در شیراز کتابت شده است.

از دوره حکومت اسکندر سلطان دو گلچین باشکوه در دست است که یکی در سال ۸۱۳ هجری کتاب آرایه شده و امروزه در بنیاد گلبنکیان در لیسبن نگهداری می‌شود. این گلچین ۳۴ نگاره دارد و کاتب آن محمود بن مرتضی حسینی است و در آن مجموعه‌ای از اشعار شاعران ایران آمده است. در نگاره‌های این گلچین عشق و علاقه نقاش به منظره پردازی کاملاً پیداست. پیکره‌ها شکوه زیادی دارند طوریکه گاهی کل صفحه را تحت الشعاع قرار داده‌اند. فضا بندیها در کوهستان صورت گرفته و با صخره بندیها و گلها و بته‌ها آرایش یافته است. وجود تصاویر ریز نقش از خصوصیات این نسخه است.

و در درون تزیینات مثلثی شکل تصاویر ریز حیوانات مثل خرگوش و غزال و پرندگان (مرغابی در حال پرواز) و ابرها قرار گرفته اند. این گلچین دو جلد است و سرلوح هر دو جلد تذهیبی غنی و پرمایه دارد و قرینه سازیها از ویژگیهای نقوش آنست. اسلیمی ها در بخش نجوم این گلچین ظریف تر و زیباتر شده است. در جلد اول ۲۴ نگاره و در جلد دوم ۱۴ نگاره آمده است (گری، ۱۳۶۹، ۶۸) و چهار تا از این نگاره ها ترکیب بندیهای دو برگی است. دور نمای شهر مکه و خانه کعبه که حجاج در آن مشغول طواف هستند یکی از نگاره های دو برگی را تشکیل می دهد. در نگاره های آن می توان خام کاری پیشین نگارگری شیراز و طراحی توانمند مکتب تبریز دوره آل جلایر را مشاهده کرد.

دومین گلچین اسکندر سلطان در سالهای ۸۱۴-۸۱۳ هجری بوسیله محمد حلوانی جلالی اسکندری (منسوب به جلال الدین اسکندر سلطان) و نصر کاتب کتابت و تذهیب شده است. پیداست که نصر کاتب (نصیرالدین محمد مذهب) تذهیب آنرا بر عهده داشته است. این نسخه دربردارنده ۴۹ نگاره و آرایه های حاشیه ای (تشعیر) است (Robinson, 1958, 11). در این گلچین خسمه نظامی جایگاه ویژه ای دارد. ترکیب بندیهای آن شبیه ترکیب بندیهای گلچین پیشین است و بعضی از آنها مثل «اسکندر و حوریان دریایی» دقیقاً از ترکیب بندی پیشین تبعیت کرده و تا حدودی ساده تر شده است. نگاره های دیگر هم نقاط اشتراك بیشتری دارند. در این گلچین یکی از ترکیب بندیها از نگاره های نسخه دیوان خواجه کرمانی سال ۷۹۸ هجری متعلق به مکتب تبریز دوره آل جلایر. اقتباس شده است (Titley, 1983, 47). این گلچین امروزه در کتابخانه بریتانیای لندن نگهداری می شود. تشعیر و طراحیهای حواشی این گلچین تحت تأثیر تشعیرهای دیوان سلطان احمد جلایر است ولی ظریف تر و زیباتر اجرا شده است. رنگبندیها در نهایت دقت صورت گرفته و با طلا جلوه ای غنی و گاهی پر زرق و برق یافته است. در این گلچین هنوز متن در محاصره نگاره است و این خصوصیت از ویژگیهای نگارگری جلایری بود. از اینجاست که بعضی از هنر پژوهان اعتقاد دارند که شماری از هنرمندان تبریز دوره جلایری به شیراز منتقل شده و در کارگاه هنری اسکندر سلطان بکار پرداخته اند. گفتنی است که ترکیب بندیهای این گلچین بعدها الگویی برای هنرمندان مکتب نگارگری هرات شده است.

نتیجه گیری

با اینکه سالهای هنر پروری اسکندر سلطان بیش از ده سال طول نکشید ولی در عرض این سالهای محدود سیمای تابناکی در کتاب آرایبی از خود نشان داد. اسکندر سلطان به تصریح منابع فردی بوده جنگاور و شجاع و همواره از جاه طلبی ها و اردوکشی ها رویگردان نبوده و حکومت بر کل ممالک تیموری را در سر می پخته است. اما در عالم سیاست بخت با او یار نشده و ناکام مانده است. او چندی را در عراق عجم (آذربایجان و همدان و اصفهان و غیره) گذرانده و از نزدیک با هنر پروری شاهزادگان جلایری آشنا شده و از آنجا که خود دارای طبع هنری بوده، هنر پروری و حمایت از هنرها را وجهه همت خود قرار داده است. این هنر پروری او، سخت کشی و سخت گیری اش را در عالم سیاست تا حدودی تلطیف کرده است.

اسکندر سلطان باگردآوری هنرمندان از نواحی مختلف از جمله تبریز و راه اندازی کارگاه هنری شیراز که از دوره آل مظفر بدست او افتاده بود، جانی دوباره به کتاب آرایبی دمید و در عرض ده سال آثار ی ماندگار در عالم نگارگری ایران پدید آورد و نام خود را در مقام هنر پروری صاحب دید و قریحه ثبت تاریخ کرد. مکتب شیراز در روزگار وی از هر حیث ترکیب بندی، رنگبندی، فضابندی، موضع نگاری و طراحی، شکوفا شد و نوآوریهای در این زمینه ها به منصف ظهور رساند طوریکه این نوآوریها بعدها در مکتب هرات سرریز شد و آنرا پرمایه کرد. در حقیقت بخش مهمی از امکانات کارگاه هنری هرات در روزگار شاهرخ و بایسنقر میرزا ساخته و پرداخته اسکندر سلطان بود چون شاهرخ پس از سقوط اسکندر سلطان، این امکانات را اعم از هنرمندان و کتب نفیس و ظروف هنری چینی و آثار هنری زیبا

کارستان هنر پروری اسکندر سلطان ...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

به هرات منتقل کرد و در راه اندازی مکتب هرات بکار گرفت. در حقیقت می توان گفت که مهمترین و ارزنده ترین میراث اسکندر سلطان در عالم هنر پروری ترکیب عنصر هنری مکتب شیراز دوره آل اینجو و آل مظفر با عناصر هنری مکتب تبریز آل جلایر بود. او با این کار خود ترکیب و تألیفی نواز این عناصر هنری پدید آورد که بعدها در شکوفایی مکتب نگارگری هرات تأثیری چشمگیر داشت.

جدول کارستان اسکندر سلطان (از سال ۸۱۳ تا ۸۱۷ هجری)

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بر دی

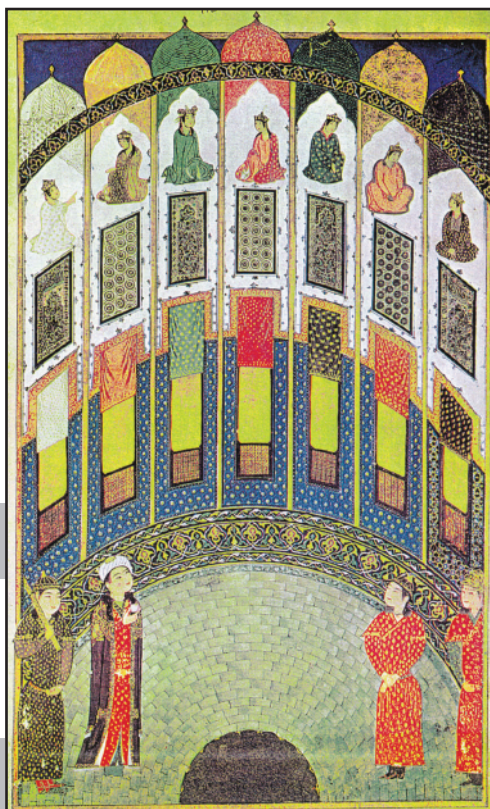
۱۴

جای نگهداری	تعداد	تذهیب و نگاره	جای کتابت / کاتب	نام اثر (نسخه)	سال
مجموعه خصوصی	۲۱۱	دارای تذهیب	شیراز؟	دره التاج لغره الدباج	حدود ۸۱۳
بنیاد گلبنکیان، لیسبن	۴۴۴	تذهیب و ۳۴ نگاره	شیراز / محمود بن مرتضی حسینی	گلچین اسکندر سلطان	۸۱۳
کتابخانه بریتانیا، لندن	۵۴۲	تذهیب و ۴۹ نگاره	شیراز / محمد حلوی و نصر کاتب	گلچین اسکندر سلطان	۸۱۳-۱۴
انستیتو ولکام، لندن	۸۶	تذهیب و ۲ نگاره و طراحی	شیراز / محمود بن یحیی بن حسن کاشی	کتاب ولادت اسکندر	۸۱۳
				تاریخ خیرات	۸۱۴-۱۶
کتابخانه ملی، پاریس	۲۱۵	دارای تذهیب	شیراز؟	اغراض الطیبه و مباحث العلائیه	۸۱۳-۱۷
کتابخانه ملی، پاریس	۲۸۸	دارای تذهیب	شیراز؟	زیج نامه	۸۱۳-۱۷
موزه آثار اسلامی و ترکی، استانبول	۷۰۰			گلچین اشعار	۸۱۵-۱۶
کتابخانه تویقایی سرای، استانبول	۳۰	دارای تذهیب	اصفهان؟	بخشی از یک نسخه مصور علمی	۸۱۶
کتابخانه ملک، تهران		دارای تذهیب و نگاره	شیراز / محمد قطب مغیثی	گلچین اشعار	۸۱۷
کتابخانه کاخ گلستان، تهران	۳۶۹	دارای تذهیب	اصفهان؟	منتخبات اشعار میر حیدر ترکی گو	—
کتابخانه تویقایی سرای، استانبول	۲۹۲	مرکب روی کاغذ		زیج ایلخانی نصیرالدین طوسی	—

کارستان هنر پروری اسکندر سلطان ...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

۱۵



تصویر شماره ۲: بهرام گور در گنبد هفت پیکر، گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۸۱۳ هـ. بنیاد گلبنکیان، لیسبن



تصویر شماره ۱: گرفتار گلچین، یزد، ۸۱۰ هـ.، کتابخانه توپقایی سرای، استانبول (H ۷۶۹)



تصویر شماره ۴: اسیران در مقابل خسرو، گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۸۱۳ هـ. بنیاد گلبنکیان، لیسبن



تصویر شماره ۳: ابراهیم در آتش، گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۸۱۳ هـ. بنیاد گلبنکیان، لیسبن



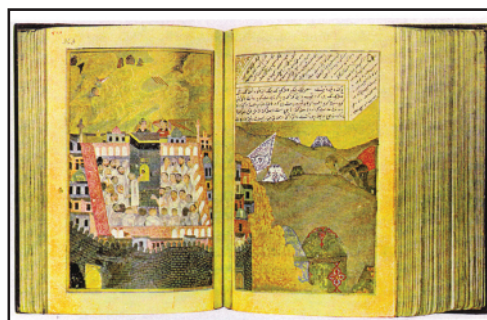
تصویر شماره ۸: تشریح بدن، طرحی از نسخه علمی اسکندر سلطان، حدود ۸۱۶ هـ. کتابخانه توپقاپی سرای، استانبول (B, ۴۱۱)



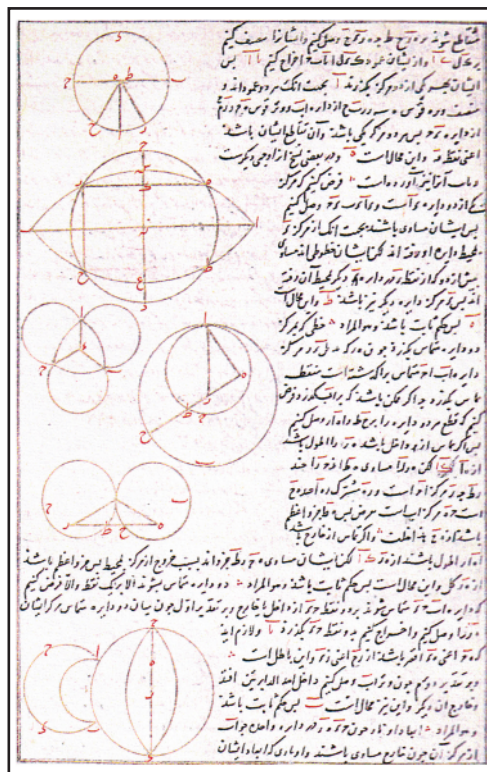
تصویر شماره ۹: جنگ قبایل، گلچین اشعار، شیراز، ۸۲۳ هـ. موزه دولتی، برلین



تصویر شماره ۵: خسرو و آب تنی شیرین، گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۸۱۴ هـ. کتابخانه بریتانیا، لندن



تصویر شماره ۶: منظره کعبه، گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۸۱۴ هـ. کتابخانه بریتانیا، لندن (Add, ۲۷۲۶۱)



تصویر شماره ۷: برگی از دره التاج لعشیره الدباج، شیراز، حدود ۸۱۳ هـ. مجموعه خصوصی

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۱۶

فهرست منابع

- امیرعلیشیر نوایی، ۱۳۶۳، مجالس النفائس؛ چاپ علی اصغر حکمت، تهران
- اوبن، ژان، ۱۳۳۶، مقدمه منتخب التواریخ معینی، طهوری، تهران
- حافظ آبرو، ۱۳۷۲، زبده التواریخ، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، جلد اول، وزارت ارشاد، تهران
- حسن روملو، ۱۳۴۹، احسن التواریخ، چاپ عبدالحسین نوایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۸، تذکره الشعرا، چاپ محمد رمضانی، کلاله خاور، تهران
- ریشار، فرانسیس، ۱۳۸۱، «نصیر الدین سلطانی...» نامه بهارستان، شماره ۵، سال سوم، ۴۰-۱۳۱
- ریشار، فرانسیس، ۱۳۸۳، جلوه های هنر پارسی، ترجمه ع. روح بخشان، وزارت ارشاد، تهران
- شرف الدین علی یزدی، ۱۳۳۶، ظفرنامه، چاپ محمد عباسی، جلد ۲، ابن سینا، تهران
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۵۶، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، دانشگاه تهران، تهران
- عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، مطلع سعدین، چاپ عبدالحسین نوایی، جلد ۲، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران
- عبدالرزاق کرمانی، ۱۳۶۱، «تذکره مناقب حضرت شاه نعمت الله» در مجموعه در تراجم احوال شاه نعمت الله ولی، تصحیح و مقدمه ژان اوبن، طهوری، تهران
- فخری هروی، ۱۳۴۵، روضه السلاطین، تصحیح عبدالرسول خیامپور، دانشگاه تبریز، تبریز
- فصیحی خوافی، ۱۳۳۹، مجمل فصیحی، چاپ محمود فرخ، جلد ۳، مشهد
- گری، بازیل، ۱۳۶۹، نقاشی ایران، ترجمه عربعلی شروه، صدای معاصر، تهران
- نطنزی، معین الدین، ۱۳۳۶، منتخب التواریخ معینی، تصحیح ژان اوبن، طهوری، تهران
- Lentz and Lowery, 1989, Timur and Arincely Vision, Washington
- Robinson, B., 1958, A descriptive catalogue of Persian Paintings in the Bodeleian Library, Oxford
- Sims, E., 2002, Peerless Images, New Haven and London
- Titley, N., 1983, Persian Miniature Painting, London



تصویر شماره ۱۰: طراحی از کتاب ولادت اسکندر سلطان، شیراز، ۸۱۳ هـ.، انیستیتوی ولکام، لندن



تصویر شماره ۱۱: سرلوح دوبرگی کتاب ولادت اسکندر، شیراز، ۲۲ ذوالحجه ۸۱۳، کتابخانه انیستیتوی ولکام، لندن

نامه هنرهای تجلی و کار بردی